

بسم الله الرحمن الرحيم

سیده فاطمه کاظمی

شناخت فرقه واقفیه و اقدامات امام رضا(ع) در مبارزه با آن

چکیده

از آغازین روزهای پیدایش اسلام، امامت به عنوان جانشینی پیامبر(ص) یکی از مسائل بنیادی و اصولی محسوب می شده است. عالمان اسلامی برای تشخیص امام راه های متعددی ذکر کرده و ویژگی هایی برای آن بیان نموده اند. اما شکل گیری فرقه واقفیه از سوی برخی وکلا و بزرگان با مقاصد مختلف، موجب تردید در پذیرش امامت امام رضا(ع) شد. از این رو ظهور گروه های انحرافی و عدم تبعیت و پذیرش امامت ائمه(ع) موجب شد متکلمین به تبیین اهمیت مسئله امامت پرداخته و مهمترین راه شناخت امام را تعیین از سوی خدا و رسولش و همچنین معرفی امام قبلی ذکر کنند. امام رضا(ع) برای جلوگیری از انشقاق امت شیعه و تحریف دین و مبانی شیعه به مقابله با این انحراف پرداختند تا پیروان خود را از افتادن در دام فرقه های انحرافی از جمله واقفیه نجات دهند. لذا این پژوهش تلاش نموده است با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع معتبر در سایه مستندات تاریخی و روایی، اقدامات آن حضرت را در مواجهه با فرقه انحرافی واقفیه مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. نتایج حکایت از آن دارد که برداشت نادرست از فعالیت های سیاسی امام کاظم (ع)، دلبستگی به منابع مالی و اعتقاد به قائمیت امام کاظم(ع) از مهمترین عوامل عدم پذیرش امامت امام رضا(ع) بوده است. در مقابل، امام رضا(ع) با اقداماتی از جمله: مناظره خود و شاگردانش با واقفیان و پاسخگویی به شبهات، مکاتبه و نامه نگاری، نوشتن کتاب، تحریم اجتماعی و اقتصادی، جلوگیری از جعل و تحریف احادیث، لعن و نفرین و اظهار برائت، مانع از رسیدن سران واقفیه به اهدافشان شدند.

واژگان کلیدی: امامت، امام رضا(ع)، فرقه

مقدمه

با ظهور دین مبین اسلام، در طول تاریخ، مکاتب فکری و کلامی متعددی پا به عرصه وجود گذاشته و پس از رحلت پیامبر(ص) به بیان عقاید خود پیرامون مسأله امامت در دین اسلام پرداخته اند.

از میان تمام فرقه های به وجود آمده، تنها یک فرقه مسیر حق را پیموده و بقیه ی فرقه ها در بیان افکار و عقاید خود دچار انحراف گشته اند. یکی از این فرقه های انحرافی در مسأله ی امامت، فرقه ی واقفیه است که پیروان آن با انحراف افکار عمومی و عدم پذیرش امامت امام رضا(ع)، زمینه ی انحرافات زیادی را در میان مسلمانان موجب شدند. بنابراین، اهمیت و ضرورت این تحقیق به خوبی روشن می شود که با باز شناسی دقیق افکار و اندیشه های فرقه های متعدد و ارتباط آن ها با آموزه های اصیل دین اسلام و چگونگی به وجود آمدن این فرقه ها می توان از شکاف در دین جلوگیری کرد و همچنین با شناخت نقاط قوت و ضعف فکری این فرق به مبارزه با آن ها برخاست. بهره مندی از معارف ناب اسلامی برای رسیدن به سرچشمه ی معرفت الهی در سایه زعامت و رهبری امام معصوم منصوص، ضرورت تامل در آموزه های نحلّه های فکری و ارتباط آن با اندیشه های اسلامی را به خوبی نمایان می سازد.

هدف از ارائه این تحقیق آشکار ساختن دلایل کذب مدعیان در عدم پذیرش امامت امام رضا (ع) برای همگان و همچنین تبیین مواضع و عملکرد ایشان در برخورد با این فرقه می باشد

پیرامون امام رضا(ع) و فرقه ی واقفیه، در کتب و مقالات مختلف، مباحثی مطرح شده است. مثلاً کتاب «امامت در بینش اسلامی» تألیف علی ربانی گلپایگانی، به جایگاه امام در تفکر اسلامی و بررسی ویژگی های امام در آیات و روایات می پردازد. نویسندگان این کتاب آرا و اقوال متکلمان اسلامی از مذاهب گوناگون را بیان می کند و سپس از عقل و وحی و گزارش های مستند تاریخی برای نقد آنان بهره می گیرد.

کتاب «الملل و النحل» محمد بن کریم شهرستانی، دانشنامه ای در حوزه ی ادیان و مذاهب است که عقاید، آیین ها و نحلّه های مختلف را به شیوه ای سنجیده گزارش کرده است.

کتاب «الواقفیه دراسه تحلیلیه» از آثار ارزنده، ریاض محمد حبیب ناصری است که در آن، فرقه انحرافی واقفیه را از نظر روایی، رجالی و تاریخی به صورت مستند و تحلیلی بررسی کرده است.

پایان نامه «بررسی زمینه ها و عوامل پیدایش اندیشه توقف بر امامان شیعه» از جلال امام در موسسه امام خمینی(ره) به رشته تحریر در آمده است. نویسندگان این پایان نامه، در قالب سه فصل به معرفی فرقه های واقفه و بسترهای پیدایش آن ها پرداخته

است. ایشان صد و ده نفر از واقفیان را معرفی کرده و مواضع امامان شیعه در مقابل استدلالات واقفیان را بیان نموده است.

مقاله «دو دستگی در شیعیان امام کاظم(ع) و پیدایش فرقه واقفیه» نوشته م. علی بیوکارا، ترجمه ی وحید صفری، به علل پیدایش گروه های متعددی می پردازد که بعد از شهادت امام کاظم(ع) در میان شیعیان امامی به وجود آمدند. ایشان معتقدند، ایجاد واقفیه یکی از حوادث مهم تاریخ امامیه بود که هنوز به درستی کار دانشگاهی جامعی به زبان غربی پیرامون آن انجام نشده است.

مقاله محمد حسین بیات با عنوان «امامت از دیدگاه شیعه دوازده امامی با تکیه بر براهین عقلی و آیات و روایات» تلاش دارد امامت را که یکی از اصول مذهب شیعه است با برجسته ترین براهین عقلی شیعه دوازده امامی مانند قاعده لطف به اثبات رسانده و سپس با استناد به آیات و روایات، عصمت و منصوص بودن امام را اثبات نماید. لازم به ذکر است که کتاب الحجه اصول کافی که شامل یک دوره کامل اصول عقاید به خصوص بحث امامت عامه و خاصه می باشد، مورد توجه نویسندگان در مقاله اش قرار گرفته است.

از آن جا که موضوع این تحقیق، «شناخت فرقه واقفیه و اقدامات امام رضا(ع) در رد آن» می باشد، که یک موضوع کلامی است، لذا، با جستجو در کتب کلامی و کمک گرفتن از کتاب های روایی و تاریخی و نرم افزارهای کلامی نوشته شده است؛ روش تحقیق در این نوشتار، توصیفی- تحلیلی بوده و شیوه ی گردآوری مطالب نیز، «کتابخانه ای» می باشد.

سیر تاریخی توقف

با نگاهی به تاریخ پیدایش فرق اسلامی به خصوص در میان فرقه های شیعی، پی می بریم که، همه ی توقف کنندگان در یک امر با هم مشترک بودند و آن این که، همه آنها معتقد بودند که پیشوای آنان آخرین پیشوای بر حق الهی است.

اندیشه توقف در اسلام نخستین بار در زمان وفات پیامبر(ص) رخ داد. مشهور است هنگامی که پیامبر(ص) از دنیا رفتند، عمر بن خطاب در آن هنگام که بر سر پیکر مطهر آن جناب حاضر شده بود، فریاد زد: «به خدا محمد نمرده است بلکه همچون موسی از میان قومش غایب شده و به زودی باز خواهد گشت». عمر پیوسته این سخن را تکرار می کرد، به طوری که مردم گمان می کردند که او عقل خود را از دست داده است.^۱ هر چند این اندیشه در آن زمان مورد استقبال مردم قرار نگرفت اما در دوره های بعد با شهادت هر یک از ائمه(ع) بارها تجدید شد و فرقه های مختلفی را پدید آورد که شکاف های عمیقی در جامعه شیعی به جای گذاشتند.

اما در تاریخ آمده است اولین شخصی که با اندیشه های غلو آمیز خود موجبات وقف عده ای را فراهم آورد شخصی به نام عبد الله بن سباء بود. عبدالله بن سباء، فردی افراطی بود که اندیشه های غلو آمیز داشت. به طوری که امام علی(ع) او و پیروانش را مورد مجازات قرار داد. اما عبدالله وقتی که خبر شهادت امام علی(ع) را به او دادند، فریاد زد: «دروغ می گویی ای دشمن خدا، به خدا سوگند اگر مغز سر او را در کاسه ای نزد من بیاوری و هفتاد نفر عادل بر مرگ او گواهی دهند سختت را نمی پذیریم و یقین داریم که او نمرده و کشته نشده و نمی میرد تا بر تمام زمین مسلط شود، سپس همراه اصحابش به در خانه امیرالمؤمنین رفته و اجازه ورود خواست و وقتی که اهل خانه اظهار داشتند آن حضرت از دنیا رفته همان سخنان را تکرار کرد».^۲

نوبختی می گوید:

«پیروان عبدالله (سبائیه) معتقد بودند، علی(ع) نمرده بلکه او در آسمان هاست. رعد صدای او و برق شلاق اوست. هنگامی که صدای رعد را می شنیدند، می گفتند: السلام علیک یا امیر المومنین».^۳

صاحب کتاب مقالات الاسلامیین می گوید:

«سبائیه به نوعی رجعت اعتقاد داشتند».^۴

۱ - ابن بابویه قمی(صدوق)، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۰۱.
۲ - سعد بن عبد الله، اشعری، المقالات و الفرق، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱، ص ۲۰.
۳ - م. علی، بیوکارا، دودستگی در شیعیان امام کاظم(ع) و پیدایش فرقه واقفیه، ترجمه وحید صفری، علوم حدیث، ش ۳۰، ۱۳۸۲، ص ۱۶۸.
۴ - ابوالحسن علی بن اسماعیل، اشعری، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، ج ۱، چاپ اول، بیروت، دارالنشر فرانز شتاینر، ۱۴۰۰ق، ص ۱۵.

عنوان وقف در کتاب هایی که به بررسی رجال و شرح حال اشخاص پرداخته اند و یا در کتاب های تاریخی و یا فرقه شناسی که مذاهب و فرقه های شیعه را ذکر کرده اند، بارها تکرار شده است و این عنوان بر کسانی اطلاق می شود که در سیر امامت امامان شیعه، بر امامی توقف کرده بودند. شیخ صدوق (ره) واژه واقفیه را در کنار نام هر یک از ائمه ای که توقف بر او صورت گرفته است، آورده است. به عنوان مثال: «الواقفه علی امیر المومنین» و «الواقفه علی موسی» و «الواقفه علی ابی عبد الله» و «الواقفه علی الحسن بن علی بن محمد»، از جمله تعبیری هستند که او به کار برده است.^۱

در موارد مذکور، عنوان واقفه به صورت عام به کار رفته است و بر همه توقف کنندگانی که بر هر یک از ائمه (ع) توقف کرده باشند، اطلاق می شود. اما عنوان واقفه در معنای خاص خود، به توقف کنندگان بر امام موسی کاظم (ع) اطلاق می شود. نوبختی، ضمن اینکه به وجود واقفانی برای هر یک از امامان اشاره می کند، می گوید:

«هر یک از ایشان - ائمه (ع) - که از دنیا می رفت واقفیه ای داشت که بر امامت او توقف کردند؛ ولی این لقب خاص اصحاب موسی بن جعفر (ع) است».^۲

این عنوان گرچه بر فرقه های دیگری با عقاید مشابه ایشان اطلاق شده ولی به نظر می رسد با توجه به گسترش کار و تداوم این فرقه تا مدت قریب به یک قرن به عنوان مطلق واقفیه - هرگاه بدون قیدی خاص ذکر شده - تنها اختصاص به واقفیه موسی بن جعفر

(ع) داشته است. از جمله دلایلی که موجب شد واقفیه نام اختصاصی توقف کنندگان بر امام موسی کاظم (ع) باشد را می توان فراوانی واقفیان در میان اصحاب امام موسی کاظم (ع) دانست که هر کدام از رجال بزرگ عصر خود بودند. در مقابل، به کسانی که به وفات امام کاظم (ع) یقین پیدا کردند و پس از وی امامت امام رضا (ع) را پذیرفتند «قطعیه» می گویند. در اینجا قطع به معنای یقین به مرگ امام کاظم (ع) است و نه به معنای قطع سلسله امامت.^۳

● علل ایجاد فرقه واقفیه

چند علت در شکل گیری جریان وقف قابل توجه است؛ سیره متفاوت سیاسی امام کاظم (ع) نسبت به پدر بزرگوارشان و عدم تقیه در معرفی جانشین خود که به صورت علنی و آشکار به معرفی وصی خویش می پرداختند، توسعه نهاد وکالت و تقویت بنیه مالی و جمع شدن مقادیر قابل توجهی از اموال نزد برخی وکلای امام

^۱ - ابن بابویه قمی (صدوق)، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ۱۰۳-۱۰۱.

^۲ - حسن بن موسی، نوبختی، فرق الشیعه، مترجم محمد جواد مشکور، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱، ص ۸۲.

^۳ - نعمت الله، صفری فروشانی، فرقه های درون شیعی دوران امامت امام رضا (ع) (با تکیه بر فطحیه و واقفیه)، مجله طلوع، ش ۲۸، ۱۳۸۸، ص ۹.

• تحریم اقتصادی

یکی دیگر از اقدامات امام رضا(ع)، سیاست تحریم اقتصادی علیه واقفیان بود. برای جلوگیری از گسترش اندیشه واقفیان و فریب شیعیان، امام(ع) تصمیم گرفتند منابع مالی جبهه وقف را محدود سازند و لذا، به پیروان خود دستور دادند زکات، خراج، هدایا و نذورات خود را به آنان پرداخت نکنند. برای نمونه، یونس بن یعقوب می گوید:

«در باره پرداخت زکات به آنها از امام (ع) سؤال کرده، به امام رضا(ع) عرض کردم: به آنها بی که بر این باور هستند که پدرت زنده است، زکات بدهم؟ امام(ع) فرمود: به آنها ندهید، همانا آنها کافر، مشرک و زندیق هستند».^۱

منع شیعیان از پرداخت زکات و دیگر وجوهات به این گروه، موجب شد آنان دیگر قادر نباشند به عنوان وکلای امام(ع) فعالیت داشته باشند و از این رو دیگر به منابع مالی دسترسی نداشتند و این چنین کاهش منابع اقتصادی، کاهش فعالیت های آنان را دربر داشت.

• اظهار علنی برائت، لعن و نفرین

لعن و سرزنش در مرحله پایانی مبارزه امام رضا(ع) قرار داشت؛ زیرا همیشه ائمه(ع) امید داشتند تا منحرفان به راه حقیقت باز گردند. ولی از آنجایی که نفرین و نکوهش موجب می شد، به صراحت و بدون هیچ گونه توجیحی پرچم داران ضلالت و گمراهی به عموم مردم معرفی شوند، امام(ع) در مبارزه با این فرقه به لعن سردمداران آن پرداختند. طبق نظر شیعه، ائمه(ع) از جانب خدا نصب می گردند و به وسیله پیامبر (ص) و امامان(ع) قبل از خود معرفی می شوند، پس بنابر معنای توقف، واقفیان با امر پروردگارشان مخالفت کردند و این نشانه کفر آنان بود. در احادیثی مانند حدیث لوح، که از احادیث متواتر هستند، اسامی هر یک از دوازده امام به ترتیب آمده و در جایی که به نام امام رضا(ع) رسیده، در باره امامت امام رضا(ع) نوشته شده، همانا کسی که پیشوای هشتم را انکار کند، همه اولیایم را انکار و تکذیب کرده است.^۲

در روایات متعددی که از امام(ع) نقل شده است واقفیه مورد لعن قرار گرفته اند.

«خدا آنها را لعنت کند چقدر دروغگویی آنان، شدید است. آنان دروغ گفته اند و به

آنچه که خداوند بر پیامبر (ص) نازل کرده، کافر شده اند».^۳

امام(ع) در پاسخ نامه علی بن عبدالله زبیری که در نامه اش از واقفیه سؤال کرده بود، نوشت:

^۱ - محمد بن حسن، طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۸۶۲.

^۲ - همان، ص ۱۴۵.

^۳ - همان، اختیار معرفة الرجال، ص ۷۵۹.

«واقفی، سستیزه گر و معاند حق و پایدار بر گناه است و اگر واقفی با این عقیده بمیرد، جایگاهش جهنم است و جهنم بد جایگاهی است».^۱

امام(ع) همچنین در روایتی دیگر پس از لعن علی بن ابی حمزه او را ملعون و مشرک خواند. نقل شده که امام رضا(ع) فرموده است:

«وقتی علی بن ابی حمزه داخل قبر نهاده شد، از او در مورد امامانش سؤال شده است، وی تا امام کاظم (ع) را شمرده و نتوانسته ادامه دهد و ملائکه ضربه ای بر سر او زده اند که از آن ضربه، قبرش تا روز قیامت، آتش گرفته است».^۲

در روایتی آمده که امام رضا(ع) فرمود:

«حمزه بن بزیع شقاوتمند چه کرد؟... امروز اینان در شک و تردید به سر می برند و فردا در حال کفر از دنیا خواهند رفت».^۳

امام رضا(ع) زندگی واقفیان را در سرگردانی و حیرت و مرگشان را چون زندیق ها دانست.

در روایتی دیگر، یکی از شیعیان به امام(ع) نامه ای نوشت و پرسید:

«آیا بر این گروه-مضطوره- در نماز نفرین کنم؟ یعنی آیا لعن آنها در قنوت نماز، جایز است؟ امام(ع) فتوای جواز دادند».^۴

با توجه به مطالبی که در این گفتار بیان شد می توان گفت که واقفیان به علت انکار امامت و مخالفت با کثیری از روایات متواتر که از سوی پیامبر(ص) و امامان(ع) صادر شده بود، از دایره معتقدان به سلسله امامت خارج شدند و به همین جهت مورد لعن و برخورد امام(ع) قرار گرفتند.

^۱ - همان، صص ۷۵۶-۷۵۵.

^۲ - محمد بن علی، ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات علامه، بی تا، ص ۳۳۷.

^۳ - محمد بن حسن، طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص ۷۵۹.

^۴ - محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۸۴.

نتیجه‌گیری

بر اساس تحقیق صورت گرفته و مطالب بیان شده در این پژوهش، به این نتیجه می‌رسیم که برخی از اصحاب امام کاظم(ع) که از وکلا، فقها و محدثین بودند با انگیزه های مالی و سوء برداشت از فعالیت های امام(ع)، به قائلیت امام موسی کاظم(ع) معتقد شدند و امامت امام رضا(ع) را انکار کردند. این گروه که به واقفیه معروف شدند با به خطر انداختن اتحاد جامعه شیعه، جایگاه امامت را خدشه دار کرده و شیعیان را در شناخت امامشان دچار سردرگمی کردند. امام رضا(ع) به عنوان امام هشتم شیعیان به رویارویی و موضع گیری در برابر جریان وقف و گسترش جریان تشیع پرداختند. این برخوردها یا به وسیله شخص امام(ع) صورت می گرفت و یا به واسطه یاران و شاگردان ایشان انجام می شد. امام(ع) در قالب مناظره، اظهار علنی برائت، لعن و نفرین و تبیین شکل صحیح احادیث به مبارزه کلامی با واقفیان پرداختند. اما در قالب مبارزه عملی با نوشتن نامه و یا تشویق شاگردان خود به تالیف کتاب و بیان عقاید استوار و محکم شیعه، تحریم اقتصادی و منع شیعیان از معاشرت با آنان، در نفی باورهای این فرقه انحرافی نهایت تلاش را کردند.

فهرست منابع

*قرآن کریم

- ۱-ابن بابویه قمی(صدوق)، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲ و ۱، مترجم منصور پهلوان، قم، نشر مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۲.
- ۲------، عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۲ و ۱، مترجم محمد صالح روغنی قزوینی، قم، نشر مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۹.
- ۳------، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۲.
- ۴------، معانی الاخبار، قم، مکتبه المفید، بی تا.
- ۵------، علل الشرایع، تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم، ج ۱، قم، مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵.
- ۶-ابن اثیر جزری، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۲، چاپ چهارم، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷.
- ۷-ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات علامه، ۱۳۷۹.
- ۸-ابن غضائری، احمد بن حسین، رجال ابن الغضائری، ج ۲، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴ق.
- ۹-ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۹ق.
- ۱۰-ابن منظور الأفریقی المصری، ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۲۱ و ۱۰ و ۱، بیروت، دار صادر، بی تا.
- ۱۱-ابن هشام، عبد الملک، السیره النبویه، ج ۲، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- ۱۲-آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، چاپ هفتم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵.
- ۱۳-ابراهیم زاده، حمید، «برداشت ناصحیح از روایات مهدویت توسط جریان واقفیه»، فصلنامه علمی-تخصصی مطالعات مهدوی، ش ۴۸، ۱۳۹۹.
- ۱۴-اکبر نژاد، مهدی، «امام رضا(ع) و جاعلان حدیث(بررسی بسترهای وضع حدیث و موضع گیری های آن حضرت در قبال این مسأله)»، فرهنگ رضوی، ش ۱۷، ۱۳۹۶.
- ۱۵-امام، جلال، «بررسی زمینه ها و عوامل پیدایش اندیشه توقف بر امامان شیعه»، قم، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی:موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۹۰.

- ۱۶- بیات، محمد حسین، «امامت از دیدگاه شیعه دوازده امامی با تکیه بر براهین عقلی و آیات و روایات»، سراج منیر، ش ۱۲، ۱۳۹۲.
- ۱۷- بیوکار، م. علی، «دوستگی در شیعیان امام کاظم(ع) و پیدایش فرقه واقفیه»، ترجمه وحید صفری، علوم حدیث، ش ۳۰، ۱۳۸۲.
- ۱۸- حاجی زاده، یدالله، «غالیان دوره امام رضا(ع) و چگونگی برخورد آن حضرت با آنها»، فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام، ش ۱، ۱۳۹۳.
- ۱۹- حسن پور، سید عبد الکریم، «امام رضا(ع) در مواجهه با اندیشه و عمل واقفیان»، فرهنگ رضوی، ش ۴، ۱۳۹۲.
- ۲۰- حسین زاده شانه چی، حسن، «واقفیه»، فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام، ش ۲۳، ۱۳۸۴.
- ۲۱- دل افکار، علیرضا و سید جعفر صادقی، «رد پای رجال واقفیه در وضع روایات مهدوی»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی حدیث پژوهی، ش ۲۰، سال دهم ۱۳۹۷.
- ۲۲- ربانی، جعفر، «واقفیه و اندیشه واقفگیری پس از امام کاظم(ع)»، فرهنگ کوثر، ش ۱۵، ۱۳۷۷.